

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

والنتین کاتاسانوف* (Valentin Katasonov)

برگردان از: ا. م. شیرینی

۲۹ می ۲۰۱۷

روچیلدهای «فقیر» چگونه می‌توانند جهان را اداره کنند؟

علاقه مندی به طایفه روچیلدها بار دیگر در مدت ۲۰۰ در ارتباط با انتخابات ریاست جمهوری فرانسه پس از آن شدت گرفت، که آمانوئل ماکرون ۳۹ ساله، فردی ناشناخته در دور اول انتخابات بر همه نامزدها پیشی گرفت و رسانه‌های جمعی فرانسه دوستانه تصمیم گرفتند او را رئیس جمهور آینده فرانسه بنامند. اعلام نامزدی سریع ماکرون در صحنه نمایش سیاسی را بسیاری‌ها مرتبط با این می‌دانند، که این مرد جوان پنج سال قبل از بانک روچیلدهای پاریس یکسره به راهروهای حاکمیت قدم گذاشت. از اینجا چنین مستفاد می‌شود، که روچیلدها این «سلاطین بانکدار» و «پادشاهان بانکداران» مانند قرون بیستم و بیست و یکم، همچنان به اداره فرانسه (اگر نه تمام جهان) ادامه می‌دهند.

هیچ کسی این قاعده جامعه سرمایه‌داری را رد نکرده، که تأثیر سیاسی انسان یا گروه انسانی با سرمایه موجود آن فرد یا گروه تناسب مستقیم دارد. بر این اساس، اثرگذارترین افراد باید انسان‌هایی باشند که اسامی آنها در ردیف‌های اول فهرست میلیاردرهای مجله فوربس قید می‌شود. ۲۰ مارچ سال ۲۰۱۷، سی و یکمین رتبه‌بندی سالانه جهانی میلیاردرهای دالری انتشار یافت. از آن چنین برمی‌آید، که در سال گذشته تعداد میلیاردرهای جهان برای اولین بار از مرز دو هزار نفر گذشت (از ۱۸۱۰ تا ۲۰۴۳) و مجموع دارایی‌های این جماعت فوق‌ثروتمند تا ۷ تریلیون ۷۰۰ میلیارد دالر (۱۸ درصد) افزایش یافت.

بالاترین ردیف رتبه‌بندی چهار سال پیاپی به بیل گیتس، مؤسس مایکروسافت اختصاص داده می‌شود. دارایی او از ۷۵ میلیارد دالر به ۸۶ میلیارد دالر افزایش یافت. در ردیف دوم فهرست وارن بافت رئیس برکشایر هاتاوی جای می‌گیرد، ثروت او با افزایش ۱۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دالر در مدت ۱۲ ماه به ۷۵ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دالر رسید. ردیف سوم جوزف بزوس، بنیانگذار آمازون ثبت شده که در عرض یک سال از ردیف پنجم به دو پله بالاتر ارتقاء یافت (با ثروت ۷۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دالر).

شاید، هیچ یک از آنها با سیاست بیگانه نباشند، اما تأثیر تعیین‌کننده آنها در فرایندهای سیاسی معمولاً در نظر گرفته نمی‌شود. به عنوان مثال، در انتخابات سال گذشته ریاست جمهوری امریکا بحث‌های داغی پیرامون احتمال تأثیرگذاری در کارزار انتخاباتی امریکا در گرفت، اما من نتوانستم در مطبوعات امریکا حتی یک مطلب دایر بر

تأثیر فعال بیل گیتس، وارن بافت یا جوزف بزوس در روند انتخابات بیابم. علاوه بر این، به اسامی کسانی که به مداخله فعال در مبارزه بین کلینتن و ترمپ مظنون بودند نیز ما نه در دهک اول فهرست فوربس، بلکه، در میان یک صد نفر اول آن برمی‌خوریم. به طوری که جورج سورس، یکی از «مظنونان» به مداخله با سرمایه ۲۵ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دالر در ردیف ۲۹ فهرست ثبت شده است. دیوید راکفلر، تنها فرد این طایفه که در رتبه‌بندی منظور گردیده (او در ۲۰ مارچ ۲۰۱۷ در ۱۰۲ سالگی مُرد)، با داشتن سرمایه «ناقابل» ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دالر در ردیف ۵۸۱ فهرست جای گرفته است.

شگفت‌انگیزتر از همه: در میان بیش از دو هزار میلیارد دالری، ما به نام هیچ فردی از روچیلدها بر نمی‌خوریم! اعضای این خاندان بزرگ در مدت ۳۱ سال انتشار رتبه‌بندی مجله فوربس حتی یک بار هم در آن ثبت نشدند! اما با این حال، توجه به روچیلدها بیش از علاقه مندی به هریک از میلیارد‌های فهرست جهانی بوده است. و این هم جای تردید باقی نمی‌گذارد، که امپراتوری روچیلدها به صورت نامرئی در نقشه سیاسی جهان حضور دارند. فقط دارائی‌های متعلق به اعضای «خاندان سلطنتی» این امپراتوری را یادآوری می‌کنم.

بخش بانکی: ۱- بانک ان‌ام روچیلد و پسران (لندن). قدیمی‌ترین بانک روچیلدها، تأسیس در سال ۱۸۱۱ تحت مدیریت بارون دیوید روچیلد. ۲- بانک روچیلد و سی‌آی‌ای (فرانسه)، به مدیریت همان بارون دیوید روچیلد. ۳- بانک سوئیسی روچیلد ای‌جی (زوریخ)، تحت ریاست الی روچیلد. ۴- بانک جان‌ار ال‌تی‌دی، سرمایه‌گذار شرکت‌های روسی و اوکراینی، به ریاست ناتان الیا (ناتا) روچیلد.

بانک‌های لندن، فرانسه و سوئیس در گروه بانکی روچیلد ادغام شده‌اند. این گروه ۵۷ دفتر در ۴۵ کشور پنج قاره دارد. در این مؤسسات بانکی در حدود ۳ هزار نفر به کار اشتغال دارد. گروه بانکی روچیلد در عرصه بانکاری سرمایه‌گذاری، به خصوص در زمینه ترکیب و ادغام تخصص یافته است.

شرکت‌های مالی مادر و صندوق‌های سرمایه‌گذاری: ۱- کمپانی کنکور دیا بی‌وی. سرپرستی این شرکت را نیز همان بارون دیوید روچیلد بر عهده دارد. بانک‌های لندن و پاریس مالک مشترک آن هستند. بسته‌های سهام کنترولی کمپانی مادر سوئیسی «زنجره صندوق‌های سرمایه‌گذاری سوئیس» و بانک‌های کانادا و آمریکا را در اختیار دارد. ۲- صندوق بیمه «شرکت آفیکوس کاپیتال»، ناتان روچیلد آن را اداره می‌کند. ۳- کمپانی مادر بنگاه صنعتی شمال. ۴- صندوق تأمین آفیکوس کاپیتال با سرمایه ۱۴ میلیارد دالر.

صنعت معدن: ۱- کمپانی «ریو تینتو» متخصص در استخراج زغال سنگ، آهن، مس، اورانیوم، طلا، الماس و آلومینیوم. ۲- تولید آبجو (اولین روچیلد) - کمپانی جهانی پردازش و فروش الماس. ۳- شرکت انگلیسی-آمریکایی. انرژی: شرکت بین‌المللی‌ون با مسئولیت محدود. در بخش انرژی فعالیت می‌کند.

توسعه کسب‌وکار، هتل‌ها و رستوران‌ها: ۱- شرکت توسعه «تریگرانت» مجارستان. ۱۲ درصد سهام آن به ناتان‌الی روچیلد تعلق دارد. سرمایه گذاشته شده در املاک و مستغلات روسیه در حدود ۵ میلیارد دالر. ۲- شبکه هتل‌ها و رستوران‌های ارال‌ام تحت مدیریت الی روچیلد.

رسانه‌های جمعی و فعالیت‌های انتشاراتی: ۱- اکونومیست، دیلی تلگراف (اولین روچیلد). ۲- انتشارات «پرس د لا سیت» پاریس، روزنامه فرانسوی «لیبراسیون»، بی‌بی‌سی (ریاست آن به عهده مارکوس اکیوس، داماد ادموند روچیلد سپرده شد) و رسانه‌های جمعی دیگر.

دیگر عرصه‌ها و اشکال کسب‌وکار: ۱- «ارتباطات بین‌المللی فرست‌مارک ال‌ال‌سی» و «مواد غذایی فیلدفرش» (اولین روچیلد و همسر او، لین فورستر مالک آن هستند). ۲- کمپانی موسیقی «موزیک اف‌۷» در آمریکا (آنتونی

روچیلد). ۳- شراب‌سازی (قلاع شاتو موئن و شاتو لافیت، جایی که شراب با نام تجاری شاتو موئن تولید می‌شود). ۴- بیش از یکصد باغ و پارک در اراضی اروپا.

تعداد زیاد و بسیار متنوع اقتصاد طایفه روچیلدها به واسطه شرکت مالی- سرمایه‌گذاری روچیلد و پسران اداره می‌شود که آن هم به سهم خود، از طرف شاخه فرانسوی و انگلیسی خاندان روچیلدها کنترل می‌گردد. این صندوق سرمایه‌گذاری پیشتر «پاریس اورلئانس اس‌سی‌ای» نامیده می‌شد (این شرکت در سال ۱۸۳۸ تأسیس گردید و در آغاز شرکت راه‌آهن بود). در مجمع عمومی خانوادگی ۲۴ سپتمبر سال ۲۰۱۵ این شرکت به نام کمپانی «روچیلد و شرکا» تغییر نام یافت. خاندان روچیلدها در حدود ۶۰ درصد سهام سرمایه‌گذاری کمپانی روچیلد و شرکا را در اختیار دارد. بقیه سهام به صورت آزاد در بورس اوراق بهادار شناور است. کمپانی کنکوردیا بی‌وی را روچیلد و شرکا اداره می‌کند. کنکوردیا بی‌وی نیز به سهم خود، زنجیره منابع سرمایه‌گذاری ای‌جی روچیلدها را کنترل می‌کند و خود آن هم بر فعالیت‌های گروه بانکی «گروه روچیلدها» نظارت می‌کند.

و اما از همه جالب‌تر. جمع کل دخل سالانه (فروش) روچیلد و شرکا در سالهای اخیر، بر اساس گزارشات رسمی آن، در محدوده یک تا یک و نیم میلیارد یورو متغیر است. از ۵۰ تا ۲۰۰ میلیارد یورو سود خالص سالانه آن است. و این هم شاخص دیگر: در سال ۲۰۱۵ دارائی‌های تحت کنترل صندوق ۹ میلیارد و ۱ میلیون یورو برآورد می‌شد. میزان سرمایه‌گذاری روچیلد و شرکا ۱ میلیارد و ۸۵۰ میلیون یورو یا کمی بیش از ۲ میلیارد دالر بوده است. نه سود، نه دارائی‌های تحت کنترل، نه سرمایه‌گذاری در بازار جالب توجه نیست. برای مقایسه، شاخص‌های **کمپانی برکشایر هارت‌اوی** وارن بافت در سال ۲۰۱۶ را نشان می‌دهیم (به میلیارد دالر): دخل- ۲۱۰ و ۸ دهم؛ سود- ۲۴ و ۱ دهم؛ دارائی‌ها- ۵۶۱ و ۱ دهم؛ سرمایه‌گذاری- ۳۶۰ و ۱ دهم.

خوب، تفاوت‌ها را ببینید. نمودار مالی کمپانی میلیاردی منفرد، وارن بافت از جمع کل شاخص‌های همه امپراتوری روچیلد، که تحت عنوان صندوق سرمایه‌گذاری مالی روچیلد و شرکا مجتمع شده، ده‌ها برابر بیشتر است! برای حل تضاد بین شناخت تأثیر واقعی روچیلدها در سیاست جهانی و جایگاه اموال کاملاً نامتظاهر آنها، کارشناسان ناگزیرند با در نظر گرفتن میزان ثروتی که روچیلدها در قرن نوزده در اختیار داشتند و با این فرض که دارائی آنها از آن زمان تاکنون کاهش نیافته، به ارقام دیگر استناد نمایند.

نیکولاس هاگر در کتاب جنجالی «**سندیکا: تاریخ تشکیل دولت مخفی جهانی و روش‌های تأثیر آن بر سیاست و اقتصاد بین‌المللی**» می‌نویسد: «دارائی روچیلدها را چگونه باید تخمین زد؟ به عنوان یک قاعده، این خانواده دودمانی را در فهرست ثروتمندترین‌های جهان ثبت نمی‌کنند. اگر در سال ۱۸۵۰ روچیلدها (حداقل) ۶ میلیارد دالر ثروت داشتند، با قبول این واقعیت که بنیان ثروت آنها سست نشده و این پول‌ها می‌بایست چنان سرمایه‌گذاری می‌شدند، که از ۴ تا ۸ درصد سود سالانه آنها باشد. با این حساب، رقمی از ۱ و ۹ دهم تریلیون تا ۴۹۱۴۰۹ (چهار صد و نود و یک هزار و چهار صد و نه) تریلیون دالر به دست می‌آید (یعنی، بیش از ثروت تمام جهان). اجازه بدهید محافظه‌کارانه‌ترین تخمین را به عنوان مبنا قبول کنیم- در حدود یک تریلیون دالر. در مقام مقایسه، لازم به گفتن است که ثروت بیل گیتس در سال ۲۰۰۴، ۳۲ میلیارد دالر تخمین زده می‌شد. اگر قبول کنیم که با داشتن ۳۰۰ میلیارد دالر، امروز می‌توان تمامی طلاهای موجود همه بانک‌های جهان را خرید، و این واقعیت، که بدهی ملی آمریکا ۷ تریلیون و ۵۰۰ میلیارد دالر است، در این حالت، وضعیت روچیلدها در دنیای مالی روشن می‌گردد».

وضعیت واقعی دارائی روچیلدها در ادبیات معاصر اغلب در محدوده ۳ تریلیون دالر تخمین زده می‌شود. با این حال گفته می‌شود، که طایفه راکفلرها ۱ تریلیون کمتر از آنها ثروت دارند. بسیار خوب، می‌توان قبول کرد، که وضعیت

واقعی دارائی روچیلدها در صورت حساب‌های مالی کمپانی و بانک‌های تحت کنترل آنها، همچنین در رتبه‌بندی‌های فوربس بازتاب نمی‌یابد. سؤال مطرح می‌شود: دلیل این تناقض چگونه و چیست؟ سه گزینه برمی‌شمارم:

شق اول- طایفه روچیلدها بسیار پرجمعیت است، دارائی‌های به ارث رسیده از نیاکان قرن نوزده به روچیلدهای امروز به طور مساوی بین همه اعضای طایفه تقسیم می‌شود. همانگونه که ایلخان، مایر آمشل روچیلد (۱۷۴۴- ۱۸۱۲) وصیت کرد، روچیلدها باید خود را یک خانواده بزرگ تلقی نمایند. در رابطه با «خارجی» باید جانب احتیاط و اعتدال را رعایت کنند. ثروت شخصی هر کس، حتی یک عضو عالی‌مقام و خوش‌اقبال طایفه نباید از یک میلیارد دالر تجاوز کند. در صورت پیدایش «اضافات»، آنها بایستی به نفع دیگر اعضای طایفه مجدداً تقسیم گردد.

شق دوم- روچیلدها از خیلی وقت‌ها پیش به استفاده از تراست‌هایی دست زدند که وسیله مطمئنی برای دور نگهداشتن سرمایه‌ها و دارائی‌ها از چشم‌های نامحرم به حساب می‌آیند. در وهله اول از چشم نهادهای مالیاتی و در وهله دوم از ارگانهای مجری قانون (در صورتی که سرمایه‌ها به طرق جنائی به دست آمده باشد). در وهله بعدی از انواع انقلابیون و سایر تندروانی که نام روچیلدها در نزد آنها به مثابه گرفتن پارچه سرخ است در برابر گاو. واضح است، که تراست‌ها بیش از یکصد سال قبل به صورت انبوه در امریکا پدید آمدند. مبتکر ایجاد و مجری آنها روچیلدهای وقت بودند. از آمار کلی تراست‌ها در امریکا اطلاعاتی در دست نیست. به خصوص اطلاعات جامعی در مورد مشتریان آنها نیز وجود ندارد. به هر صورت، با نگاه دقیق می‌توان نمونه آن را دید، که روچیلدها چگونه از تراست‌ها استفاده می‌کنند. همه دارائی همین جورج سورس-فقط سرمایه‌هایی هستند، که روچیلدها به مدیریت معتمد یک یهودی ناشناخته مجارستانی بنام **شوارتس** سپردند که در عین حال، نقش روابط عمومی روچیلدها را ایفا می‌کند.

شق سوم- طایفه روچیلدها در مدت دویست سال موجودیت خود در کسب‌وکار جهانی، اولاً- در کار خرید و فروش طلا، ثانیاً- در تجارت مواد مخدر تخصص یافته‌اند. تجارت مواد مخدر، بنا به این تعریف، فعالیت در سایه محسوب می‌شود. نه خود معاملات مواد مخدر، نه نتایج مالی این معاملات در ترازنامه‌های مالی منعکس نمی‌شوند. آنچه که به طلا مربوط می‌شود، این است که آن هم در مدار اقتصاد سایه می‌چرخد. افزون بر این، طلا امروز از ترازنامه‌های معمولی بانک‌ها حذف می‌شود. این یک دارائی متعادل خودویژه است، که «صاحبان طلا» (روچیلدها) برای رسیدن به اهداف تجاری و سیاسی خود از آن استفاده می‌کنند.

به گمانم، برای توضیح این که چرا روچیلدهای معاصر چنین «فقیراند»، لازم است هر سه شق موضوع که مکمل همدیگر هستند، در نظر گرفته شود و هر کدام از آنها را باید در مقاله جداگانه مورد بررسی قرار داد.

* پروفیسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهش‌های اقتصادی «شاراپوف» روسیه

۷ خرداد- جوزا ۱۳۹۶